

خبر

طوری شوخی کردیم که کارمان با سانسورهای عجیب مواجه نشود

مجید افشاری - نویسنده و بازیگر سریال «فوفو مسافری از کامادو» - می‌گوید: تا جای ممکن برای این کار کودکانه خودمان حساسیت به خرج دادیم و با وسواس شوخی‌ها را نوشتیم تا سانسورهای عجیبی نداشته باشد. او معتقد است: «فوفو مسافری از کامادو» در حوزه کودک اتفاق خوبی رقم زده و کار موفقی شده است. سریال «فوفو مسافری از کامادو» به کارگردانی میثم معراجی هر هفته سه‌شنبه‌ها از پلتفرم فیلم‌نت عرضه می‌شود. جواد رضویان، الیکا عبدالرزاقی، رضا شفیعی‌جم و مجید افشاری از بازیگران این سریال هستند. تاکنون چهار قسمت از این مجموعه عرضه شده است. مجید افشاری، عضو گروه نویسندگان و بازیگر سریال «فوفو مسافری از کامادو» در گفت‌وگویی با ایسنا تأکید کرد که تلاش کرده‌اند فیلمنامه‌ای متفاوت و برای کودکان و خانواده‌هایشان جذاب باشد، نوشته و به تولید برسانند.

سعی کردیم کار جذابی بسازیم

او با بیان اینکه نوع شوخی‌ها در نوشتن برای کودکان و بزرگسالان متفاوت است توضیح داد: خوشبختانه تیم نویسندگان سریال «فوفو مسافری از کامادو» تیم بسیار خوبی بودند و من در کنار سلمان خورشیدی، حسام حیدری، میثم معراجی ونگین موسوی سعی کردیم فیلمنامه‌ای متفاوت را که برای کودکان و خانواده‌هایشان جذاب باشد تولید کنیم.

افشاری همچنین بیان کرد: تجربیات گذشته من بیشتر شوخی‌نویسی برای مخاطبان بزرگسال بود که اساسا سبکی متفاوت‌تر با آنچه در این سریال می‌بینید است اما با برگزاری جلسات متعدد سرانجام به یک سبک مشخص در شوخی‌نویسی رسیدیم که این شوخی‌ها در کلیت داستان هم درست از آب درآمدند.

خودمان با وسواس متن را نوشتیم

این بازیگر و مجری تلویزیون با اشاره به سانسورهای این سریال هم گفت: هر چیزی که تولید کنید بالاخره سانسور دارد و چون کار مختص کودکان بود بسیار با وسواس شوخی‌ها را نوشتیم که مناسب کودکان باشد و فضای سانسوری عجیبی وجود نداشته باشد.

وی درباره همکاری‌اش با کارگردان جوان این سریال هم عنوان کرد: من قبلا با آقای میثم معراجی به عنوان بازیگر در پروژه سینمایی «بازووا» همکاری داشتم و دوستی بین ما شکل گرفته بود، زمانی که صحبت ساخت این سریال برای پلتفرم مطرح شد روی حساب همان دوستی در اتاق فکر این مجموعه حضور پیدا کردم و به دلیل شناختی که از شیوه کار میثم معراجی پیدا کرده بودم این مسیر به راحتی پیش رفت و البته باید بگویم همین شناخت اطمینان خاطرم را برای حضور در سریال «فوفو مسافری از کامادو» را ایجاد کرد.

افشاری که با استادپ کمدی‌هایش شناخته شد با بیان اینکه سریال «فوفو مسافری از کامادو» اولین سریال رئال انیمیشن است، خاطرنشان کرد: من در این سریال نقش یکی از کارگردانان مطرح کشور را بازی می‌کنم که بسیار باهزه است و امیدوارم که مخاطبان هم دوست داشته باشند.

«فوفو مسافری از کامادو» اتفاق خوبی رقم زد

نویسنده «فوفو مسافری از کامادو» در پایان گفت: بازخوردهای بسیار خوبی از مخاطبان گرفته‌ام. به نظر من سریال «فوفو مسافری از کامادو» به عنوان یک کار کودک اتفاق خوبی را رقم زده است.



به گزارش خبر آنلاین ماجرا نه از آخرین ساعت روز جمعه ۱۳ مرداد، که از سه روز قبل آغاز شد زمانی که خبرگزاری‌ها خبری را با این تیتر منتشر کردند: «کیوان ساکت در تد تهران»، در خبر به نقل از کیوان ساکت آمده بود که قرار است درباره «ساز کهن شیوه‌های نو» صحبت کند. ساکت در ادامه خبر گفته بود: «هم‌اکنون در تدارک و برنامه‌ریزی برای شرکت در برنامه «تد تهران» هستم که این برنامه روز جمعه ۱۳ مرداد در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار می‌شود.» مطابق برنامه تد در همه جای دنیا و در ایران، هر سخنران یا نوازنده فقط ۱۸ دقیقه فرصت ارائه برنامه دارد و برنامه کیوان ساکت برای آن ۱۸ دقیقه این بود: «تد این برنامه درباره «ساز کهن شیوه‌های نو» صحبت می‌کنم و بخش دیگر درباره این است که ساز کهن تار یا سه‌تار چه توانایی و امکاناتی دارد که بخشی از آن تا امروز پنهان مانده است.»

آنچه اتفاق افتاد، ۱۸ دقیقه هم تار را تحمل نکردند

مطابق برنامه اعلام‌شده کیوان ساکت جز اولین سخنرانان بود و قرار بر این بود تا ساعت ۱۱ سخنرانی خود را ارائه کند، اما مشکل از جای دیگری آغاز شد، به کیوان ساکت که استاد سازهای ایرانی است اجازه داده نمی‌شود تا تار خود را روی صحنه ببرد. بنا براین گزارش برگزارکنندگان تد تلاش می‌کنند تا به تأخیر انداختن سخنرانی او مشکل را با مدیران مجموعه وعده داده شده است، اجرا شود؛ اما در بر همان پاشنه می‌چرخد. سخنرانی به آخرین ساعت‌های اجرای برنامه موکول می‌شود و کیوان ساکت به احترام مخاطبی که برای شنیدن ساز و دستاوردهای نو که وعده ارائه آن را داده بودم، هفت ساعت ماندم تا بلکه مشکل حل شود؛ اما این اتفاق نیفتاد.

وی می‌افزاید: برای آن که ابهامی نباشد و مخاطب بداند من نمی‌خواستم وعده خودم را بجا نیآورم، پایه ساز را با خودم به روی صحنه بردم، من فقط پروانه و اجازه بردن پایه سازم را داشتم و آن را بردم. مخاطبان قطعاً برای شنیدن صدای ساز و شنیدن دستاوردهای نو به آنجا آمده بودند، اما این امر محقق نشد و ناگزیر شدم بدون ساز مبحث دیگری را پیش بکنم و درباره وام‌دار بودن فرهنگ موسیقی

جهان به فرهنگ موسیقایی کهن ایرانی بگویم. هرچند که این فرصصل نیازمند یک گستره زمانی بسیار بزرگ‌تری است اما در حد همان زمان امر این مهم را بازگو کردم اگرچه اثبات این مبحث نیازمند زمان بسیاری است.

موسیقی می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم

در همین روزها که در فضای محرم و تحت تأثیر واقعه عاشورا هستیم، همچنان که می‌بینید تمام دسته‌ها و هیئت‌ها و صداسویما برای بیان شور حماسه از موسیقی کمک می‌گیرند. در زمانه‌ای که بعضی از مداحان برای بیان خود از ملودی خوانندگان گاه زن موسیقی قبل از انقلاب استفاده می‌کنند و گاه همان اشعار را با همان ملودی‌ها می‌خوانند، این شیوه‌های برخورد بسیار پیچیده و عجیب است.

درحالی‌که سینما پس از پایان دهه اول، اکران

حضور «ساز» برای برنامه ۱۸ دقیقه‌ای «تد» هم تحمل نشد

مجوز به پایه‌ساز به جای ساز

ساکت می‌گوید: به احترام مخاطبی که برای شنیدن ساز و دستاوردهای نو که وعده ارائه آن را داده بودم، هفت ساعت ماندم تا بلکه مشکل حل شود؛ اما این اتفاق نیفتاد.



فیلم‌های کمدی را آغاز کرده و رادیو و تلویزیون با پخش برنامه جدید در تلاش است تا جامعه را با نشاط کند. اجازه ندادن به استادی موسیقی که سازی اصیل را می‌نوازد جای تعجب دارد و معلوم نیست این‌همه احکام متناقض و متکثر از کجا می‌آید، اگر قرار نیست موسیقی باشد چرا این احکام سریع و واضح بازگو نمی‌شود و اگر قرار نیست، برخورد‌های سلیقه‌ای از کجا می‌آید.

این وضعیت وقتی پیچیده می‌شود که تا قبل از محرم در مجموعه برج میلاد خوانندگان پاپ و انواع موسیقی‌های دیگر می‌توانستند اجرا داشته و سارهایشان را نشان دهند، اما بعد از رعایت همه جوانب و احترام به مناسبت‌ها یک استاد موسیقی اصیل ایرانی نمی‌تواند ساز کهن و ایرانی تار را روی صحنه آورده و شیوه نوین خود را ارائه کند.

اگر برنامه مدیران حذف موسیقی اصیل ایرانی فرهنگی وجود ندارد.

+

برای آن که ابهامی نباشد و مخاطب‌بداند من نمی‌خواستم وعده خودم را بجانیاورم، پایه ساز را با خودم به روی صحنه بردم، من فقط پروانه و اجازه بردن پایه سازم را داشتم و آن را بردم

است چرا در مناسبت‌های همچون تاسوعا و عاشورا تک آهنگ «افسوس» که کیوان ساکت آن را تک‌نوازی کرده است یا آلبوم «نی‌نوا» حسین علیزاده و بارها و بارها از رادیو و تلویزیون پخش می‌کنند.

این سرگردانی‌ها در حالی است که در همه جهان موسیقی‌های همچون پاپ و راک و… را مردم حمایت می‌کنند اما حفظ و حمایت از موسیقی‌ها اصیل هر کشوری کار دولتمردان و نهادهای عمومی همچون شهرداری‌هاست است که از پول عوارض مردم وظیفه دارند در حفظ شکل اصیل هنر هر سرزمینی بهترین شرایط را برای هنرمندان آن عرصه به وجود بیاورند.

این بی‌سامانی اگر تعدمی نباشد قطعاً نشان می‌دهد که هیچ مدیریتی واحد برای برنامه‌های فرهنگی وجود ندارد.

فرهنگ و هنر

اخبار

از لی‌لی افشار چه خبر؟

پنج موسیقی محلی برای گیتار



لی‌لی افشار (نوازنده چیره‌دست و آهنگساز گیتار کلاسیک) پنج آواز محلی ایرانی را برای سازش تنظیم و در کتابی منتشر کرد.

به گزارش ایسنا، «گل‌گندم»، «عزیز جون»، «لیلا لیلا»، «جان مریم»، «لالایی» و «سنه ده قالماز» از جمله آثاری هستند که او برای ساز گیتار تنظیم و نشر «ماهور» هم آن را منتشر کرده است.

به گفته لی‌لی افشار، این پنج آواز منتخبی از موسیقی فولکلور ایرانی است که در تنظیم قطعات فرم اصلی‌شان حفظ شده است. آوازها از نواحی مختلف ایران که لهجه‌های و گویش‌های گوناگون دارند، نشأت گرفته‌است.

این نوازنده قطعات را با همان نت‌آوس و تزئین‌هایی که خواننده می‌تواند اجرا کند، تنظیم کرده است و همه آوازها با مقدمه‌ای کوتاه آغاز می‌شود که معرفی تمپو و حس هر قطعه محسوب می‌شود.

لی‌لی افشار در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «این پنج آواز منتخبی از موسیقی فولکلور ایرانی است که در این تنظیم فرم اصلی‌شان حفظ شده است. مردم ایران با این قطعات کاملاً آشنا هستند و با وجود قدیمی بودنشان تا به امروز نزد ایرانیان قطعات محبوبی بوده‌اند. آوازها از نواحی مختلف ایران که لهجه‌ها و گویش‌های گوناگون دارند نشأت گرفته‌اند. تلاش کرده‌ام قطعات را با همان نت‌آوس و تزئین‌هایی که خواننده می‌تواند اجرا کند تنظیم کنم. همه آوازها به‌جز درنه‌جان / عزیزجون با یک مقدمه کوتاه آغاز می‌شود که معرفی تمپو و حس هر قطعه است. در قطعه‌ی «جان مریم» اجرای آهسته ملودی تقلیدی است از ترمولوی زهی.

تنظیم قطعه لالایی نیز ملهم از نسخه‌ای است. براینگر، اثر روبن گزوریان. علاوه بر پنج آواز محلی، قطعه دیگری به نام سنه ده‌قالماز، اثر توفیق قلی‌یفی، برای مجموعه تنظیم و بدان افزوده شده است.»

لیلی افشار، نوازنده ایرانی گیتار کلاسیک است. وی نخستین نوازنده زن در جهان است که در رشته اجرای گیتار کلاسیک به درجه دکترا دست یافته است. او استاد موسیقی در دانشگاه ممفیس آمریکا است.

بازیگر «برکینگ بد» در گذشت



«مارک مارگولیس» بازیگر نقش هکتور سالاماتاکا مافیای مواد مخدر در سریال «برکینگ بد» در ۸۳ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «مارگولیس» بازیگر آمریکایی که در سریال «برکینگ بد» و همچنین «بهتره با سول تماس بگیر» در نقش سلطان مواد مخدر «هکتور سالاماتاکا» ظاهر شده بود، در فیلم‌های معروفی چون «صورت زخمی» و «کشتی‌گیر» نیز بازی کرده بود.

او پس از یک بیماری کوتاه در بیمارستان مونت سینا در شهر نیویورک در ۸۳ سالگی درگذشته است.

«مارگولیس» که زمانی خود را «بازیگر مسافر» توصیف می‌کرد، در بیش از ۶۰ فیلم در طول پنج دهه فعالیت حرفه‌ای، از جمله «صورت زخمی»، «آس و وتورا» و «کشتی‌گیر» نقش آفرینی کرد.

او در نقش «هکتور سالاماتاکا» در سریال «برکینگ بد» به شهرت بیشتری دست یافت. او در این سریال در نقش یک قاچاقچی سابق مواد مخدر بازی می‌کرد که فقط از طریق استفاده از یک رنگ متصل به ویلچر خود ارتباط برقرار می‌کرد و در نهایت به شکلی دراماتیک مُرد. او در سال ۲۰۱۲ نامزد دریافت جایزه امی برای بهترین بازیگر مهمان در یک سریال درام شد. مارگولیس در سال ۱۹۳۹ در فیلادلفیا به دنیا آمد. پس از نقل مکان به نیویورک، زیر نظر «استلا آدلر» تحصیل کرد و کار خود را روی صحنه آغاز کرد.

دلایل گزارش داده که «مارگولیس» در بیش از ۵۰ نمایشنامه خارج از تئاتر برابوی نیز ظاهر شده است.

در دوره شکوه خیابان لاله‌زار که چراغ تئاترها و سینماهایش پر فروغ بود، ژاله علو اولین تجربه‌های جدی خود را در حوزه تئاتر در تئاتر فردوسی به انجام رساند.

خودش درباره این دوره در گفت‌وگوی تاریخچه شفاهی سایت ارته (سایت تاریخچه شفاهی هنرمندان) گفته است: «عبدالحسین نوشین (پدر تئاتر نوین ایران) رفته بود و گروهش دنبال همکار بودند و دکتر نامدار مرا معرفی کرد.» مدتی بعد در تئاتر «تهران» می‌خواستند نمایش «آغا محمد خان» را بروی صحنه ببرند که دنبال او رفتند و برای بازی در نقش «امینه»، خواهر فتحعلی شاه و برادرزاده آغا محمد خان انتخابش کردند. بعدتر در نسخه سینمایی به کارگردانی صادق و منصور بهرامی هم همین نقش را بازی کرد. او علاوه بر فعالیت در تئاتر فردوسی و تهران برای همکاری به تئاتر فرهنگ هم دعوت شد و در این تئاتر هم دو سه نمایش کار کرد. در همین تئاتر بود که هنرمندانی چون هوشنگ سارنگ، بدری هورفر، علی اصغر گرمسیری، لرتا هایرانپایان، نوشین و … جدید در کار را به او آموختند. برای آنان تئاتر هرگز سرتسری نبود.

سال ۲۷ به طور جدی‌تری کار خود را در رادیو ادامه داد. اولین نمایش رادیویی‌اش با پرویز خطیبی بود و بعد از آن با مهدی قاسمی، نصرت‌الله محتش، عزیزالله حاتم‌ی هم همکاری کرد. در همکاری با محتشم برنامه «داستان شب» را پایه‌ریزی کردند. علو از اولین داستان شب با محتشم کارگردان رادیویی هم فعال شد و شد. با وجود برنامه‌هایی مانند «داستان شب» و نمایش‌های رادیویی، کار رادیو رونق گرفت و او نیز این فضای گرم را خانه خود دید و در کارهای رادیویی پرشماری حضور پیدا کرد. گرچه در رادیو تصویر هنرپیشه دیده نمی‌شد ولی او در برابر میکروفن رادیو هم همان بود که روی صحنه. آن چنان که خود گفته است: «مقابل میکروفن هرگز ادای گریه در نمی‌آوردم. اول به باور خودم فکر می‌کردم و بعد هم به باور مخاطب. خنده‌ام هم واقعی بود.» در دهه ۴۰ به عنوان کارگردان رادیویی هم فعال شد و بتدریج دوبله را هم آرمود و آنجا نیز ماندگار شد.

ژاله علو که به نسل طلایی دوبله‌های ایران تعلق دارد، در سینما و تلویزیون گویندگی‌های بسیار کرد. از مشهورترین بازیگرانی که او به جایش صحبت کرده، می‌توان از سوفیا لورن نام برد. دهه ۵۰ برای او با سرایش شعر همراه شد. او که در کودکی با سعدی و حافظ و مدتی بعد با مولانا دمخور شده بود، در این دهه شروع به سرایش شعر کرد و چند شعرش در کتاب زنان شاعر ایران منتشر شد.

ورودش به سینما با اسماعیل کوشان رقم خورد. همان استاد دوران نوجوانی، نامدار او را به کوشان معرفی کرد. کوشان آن زمان میترا فیلم‌را راه‌اندازی کرده بود. «طوفان زندگی» اولین فیلمی است که با آن، حضور مقابل دوربین سینما را تجربه کرد و بعدها با کارگردانانی همچون هوشنگ کاووسی، علی کسمایی هم کار کرد.

مقابله کنیم. این طرح را نوشتم، اما متأسفانه نه وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و نه سازمان صداوسیما حمایتی نکردند و حالا آن طرح در گوشه‌ای خاک می‌خورد. وی ادامه داد: پس از آن، طرح «ایرانگرد کوچک» را ارائه دادم که دربارهٔ ایران و ایران‌شناسی برای بچه‌ها برنامه بسازیم؛ تا کودکان که آینده‌سازان فرادی کشور محسوب می‌شوند، ایران خود را بهتر بشناسند. چون معتقدم کودکان اگر دربارهٔ ایران‌شان آگاهی کمی داشته باشند، یک خطر است. اتفاقاً آن طرح را هم در برنامه «خندونه» عنوان کردم و به شبکه‌های نهال و امید دادم، اما متأسفانه باز هم هیچ حمایتی نشد.

قارایی همچنین دربارهٔ فصل جدید برنامه «ایرانگرد» نیز گفت: «ایرانگرد ۶» در حالی که طرح کامل آن را از مدت‌ها پیش به سازمان ارائه کردم، اما به جایی نرسیده و هیچ خبری نشده است. من هم هفت ـ هشت ماه است که خانه‌نشین‌ام. در جلسهٔ نخنگبان با آقای رییس‌جمهور هم که دعوت شده بودم، به ایشان گفتم که باید برای کارآفرینی، رونق اقتصادی و مقابله با ایران‌هراسی، در زمینهٔ صنعت گردشگری کار کنیم اما می‌بینم که حمایتی نشدم.

سازنده مستند «ایرانگرد» مطرح کرد

اولویت اول و آخرم ایران است اما ۸ ماه است جوایم را نمی‌دهند!

عمان می‌گوید جاذبه‌های گردشگری ما را به دنیا معرفی کن

سازنده مجموعه مستند «ایرانگرد» دربارهٔ پروژه‌ای که از طرف مسؤولان عمان به او پیشنهاد شده است، توضیح داد: هفت ـ هشت ماه است که به طرح‌هایم پاسخی داده نمی‌شود و خانه‌نشین هستم. به همین دلیل، دعوت مسؤولان عمانی را پذیرفتم تا برنامه‌ای را برای تلویزیون عمان بسازیم. درخواست آن‌ها این بود که پروپوزالی برای معرفی جاذبه‌های گردشگری عمان به مردم جهان بدهم. آن‌ها علاقه دارند که کشورشان در سطح جهانی شناخته شود. مطمئناً کم می‌توانیم کار بزرگی انجام بدهیم. قارایی در پایان گفت: اولویت من ایران است، اما عمان انگار قدم را بیشتر می‌داند. هنوز هم اگر وزارت گردشگری یا سازمان صداوسیما بخواهند که (سفر به سرزمین رویاها)، «ایرانگرد ۶» یا «ایرانگرد کوچک» را بسازیم، قطعاً و یقیناً اولویت اول و آخرم ایران است. همین‌طور که همیشه گفته‌ام قهرمان زندگی من شهید چمران است که دانشگاه برکلی آمریکا را با پول و شهرت رها می‌کند تا به ایران بیاید و برای ایران کار کند. من هم دوست دارم که به ایران خدمت کنم، اما وقتی بهایی داده نمی‌شود، مجبورم جایی بروم که قدمم را بگذارم.

